

تک‌گویی بی‌ثمر

ایمان دهدشتی نسب
دبیر فیزیک، استان خوزستان

کارل گوستاو یونگ می‌گوید: «حتماً روزی خواهد آمد که آنچه که مربی به مدد کلام می‌آموزد بی‌تأثیر است و تنها کیستی و چیستی وی کارساز خواهد بود.» نقش معلم تنها به انتقال دادن مفاهیم خلاصه نمی‌شود بلکه شخصیت و وجود او هم می‌تواند تسهیل‌گر فرایند آموزش و خود بخشی از آموزش تعاملی و مشارکت‌جویانه باشد. برای ترسیم چنین فضای همگن آموزشی، همه اعضای کلاس باید روحیه مشارکت پیدا کنند، با در نظر گرفتن همه ظرافت‌های حسی و هوشی متفاوت یکدیگر. گفته می‌شود که آموزش و پرورش چیزی جز برقراری ارتباط بین معلم و دانش‌آموز برای پرورش قوای شناختی، عاطفی، اجتماعی و معنوی نیست. اما آموزش مبتنی بر تک‌گویی معلم، بین دو انسان با دو جهان و اندیشه متفاوت ایجاد فاصله می‌کند. چنین آموزشی به‌طور کامل یک‌طرفه است و حضور دانش‌آموز به‌عنوان یک سوی دیگر ارتباط نادیده گرفته می‌شود. فاصله‌های ایجاد شده بین معلم و دانش‌آموز، وجود یک انسان (دانش‌آموز) را در محیطی که برای پرورش شخصیت وی طراحی شده است در نظر نمی‌گیرد و فرصت زندگی، ارتباط و اندیشیدن را در محیط یادگیری از او می‌ستاند. برای کم کردن چنین فاصله‌ای باید همه موانعی را که بر سر راه هم‌اندیشی و تفکر جمعی وجود دارد در نظر گرفت. گفت‌وگو و مهارت‌های آن می‌تواند در کم کردن چنین فاصله‌ای بسیار مؤثر واقع شود. آنچه در این مجموعه مقالات مورد نظر است، بررسی آموزش تعاملی و زمینه‌های دیالوژیک (دوطرفه) آن است. از مهارت‌های گفت‌وگو و نقش هر کدام از آن‌ها در پیشبرد مناسب مفهوم تعامل در آموزش در بستری از واقعیت‌های عینی فضای آموزشی می‌گوییم.

گفت‌وگو فقط رد و بدل کردن افکار و احساسات و اطلاعات نیست. بلکه ذهن‌ها و شعورها را با هم مرتبط می‌سازد و وسیله‌ای می‌شود برای دسترسی به حوزه‌های مشترک وجود انسان؛ حوزه‌های مشترکی که بر رفتار و افکار انسان تأثیرگذار است. مهارت‌های حسی و عاطفی و هوشی زیادی در مسیر گفت‌وگو مورد توجه و تجربه قرار می‌گیرند.

سهولت بیشتری قابل وصول است. اگر فضای تک‌گویانه معلم‌محور را در نظر بگیریم که در آن معلم باید، به‌عنوان متکلم وحده، مفاهیم را به دانش‌آموزان انتقال بدهد، فاصله‌ای ایجاد می‌شود که یک‌سوی معلم قرار دارد و سوی دیگر دانش‌آموزانی با وجوه حسی و عاطفی و هوشی متفاوت. سؤال این است که در این قالب چگونه می‌توان به ساختارهای ذهنی دانش‌آموزان نزدیک شد و فضای امن آموزش را مهیا ساخت؟ نقش مهارت «رعایت تام احترام دیگران» در ایجاد این فضای امن چگونه است؟

یکی از مهارت‌های دهگانه گفت‌وگو «رعایت تام احترام دیگران» است. با فهم این مهارت، من تمرین می‌کنم که طرف مقابل را آن‌جور که هست بپذیرم و خود را به‌جای دیگری بگذارم و از منظر او نگاه کنم. چنین تعریفی از احترام، یک فضای امن ایجاد می‌کند که پیش‌نیاز هر نوع آموزش در محیط و فضای امن تعامل و آموزش است. با احترام گذاشتن به همه نظرها در یک محیط آموزشی، روحیه اعتماد بین دانش‌آموز و معلم ایجاد می‌شود و فرایند یادگیری و انتقال مفاهیم و تجربیات و رسیدن به درک متقابل، با

من در سال‌های خدمتم در آموزش و پرورش بیشتر در مدارس مناطق حاشیه شهر حضور داشتم. یادم می‌آید در یکی از کلاس‌ها، یکی از دانش‌آموزان مرتب به بهانه‌های مختلف اجازه می‌گرفت که از کلاس درس خارج شود، به‌نوعی که به‌نظر می‌رسید کلاس درس برای او بسیار زجرآور است. یک روز، بعد از زنگ آخر و تعطیل شدن، در مدرسه مانده بودم و به تنهایی در محوطه مدرسه و کلاس‌های درس قدم می‌زدم. به کلاسی رسیدم که آن دانش‌آموز گریزان از کلاس

عضوش بود. به سمت نیمکت خالی او رفتم. بعد از حدود یک ماه از شروع سال تحصیلی، برای اولین بار بود که نیمکت آن دانش‌آموز را می‌دیدم. چیزی که دیدم به شکلی عجیب برابم آزاردهنده بود. بیشتر قسمت چوبی نیمکت شکسته بود و فقط میله فلزی آن باقی مانده بود. برای مدتی جای آن دانش‌آموز نشستم؛ روی همان نیمکت شکسته. به سختی توانستم بیش از پنج دقیقه روی آن نیمکت بنشینم. دانستم که چرا او از کلاس گریزان است! خود را جای آن دانش‌آموز قرار دادم و سعی کردم از منظر او به تخته سیاه نگاه کنم. زیاد نتوانستم تمرکز کنم. بعد از آن فکر کردم من فقط توانستم جای یک دانش‌آموز بنشینم و از منظر او به کلاس درس نگاه کنم.

در یک نوبت کاری حدود ۷۵ دانش‌آموز با من تعامل دارند و هر کدام از منظر خود به معلم و کلاس درس و فضای آموزشی نگاه می‌کنند. چگونه می‌توانم بفهمم که هر کدام از آنان نگاه و احساس‌شان چگونه است؟ برای نزدیک شدن به فضای ذهنی دانش‌آموزان چه می‌توانم بکنم؟ اینجاست که به اهمیت مهارت‌های گفت‌وگو در فضای آموزشی می‌رسیم و به مهارت «رعایت تام احترام دیگران» که می‌تواند مقدمه مناسبی برای رسیدن به این هدف باشد. قرار نیست که معلم نظر و دیدگاه دانش‌آموزان را رد یا تأیید کند. در گام اول همه نظرها قابل احترام هستند. لازم است معلم گاهی جای دانش‌آموز بنشیند و از منظر او به جهان پیرامون و فضای آموزشی نگاه کند؛ بدون رد یا تأیید کردن آن منظر. هر دانش‌آموز با هر بهره‌حسی و هوشی مورد پذیرش معلم قرار گیرد. هر معلمی به‌طور موقت خود را جای دانش‌آموز قرار دهد و تصور کند که اگر در شرایط مشابه او بود، شاید همان خصوصیات را می‌داشت و همان‌طور فکر و عمل می‌کرد. همان‌گونه که وقتی من جای آن دانش‌آموز روی نیمکتش نشستم، نتوانستم تحمل کنم. با رعایت احترام، معلم هویت همه دانش‌آموزان را می‌پذیرد و با آن‌ها هم‌احساس می‌شود.

* منابع

۱. با هم اندیشیدن راز گفت‌وگو، نوشته مارتینه و یوهانس هارتهکه مایر، ل. فریمن دوریتی، ترجمه فاطمه صدرعالمی (طباطبایی) اطلاعات، ۱۳۸۲
۲. اصول و مبانی دیالوگ، نوشته دکتر محمدرضا نیستانی، یار ملنا، چاپ دوم، ۱۳۹۴

